

نقش تاریخ‌نامه‌های فارسی هند در تجسم دستاوردهای تاریخی «شاهراه ابریشم» در قرن پانزدهم

پروفسور ضمیره غفاراوا^۱

روابط تجاری مهم‌ترین عامل شکل‌گیری روابط فرهنگی میان کشورها است و بی‌شک در این راستا نقش بزرگ و برجسته تاریخی را شاهراه ابریشم بازی کرده است. این حقیقت تاریخی را در نوبت اول سرچشمه‌های تاریخی، از جمله تاریخ‌نامه‌ها تجسم نموده‌اند و آثار تاریخی تألیف شده در سرزمین هند از این امر مستثنی نیستند. مروری بر این سرچشمه‌ها گواهی از آن می‌دهد که در مورد هریک از این منطقه‌های تاریخی شبه‌قاره هند آثاری جداگانه به قلم آمده و به مقام و جایگاه تاریخی آنان در گسترش پیوندهای تاریخی با مناطق مختلف جهان از طریق شاهراه ابریشم به طور جداگانه تأکید شده است، که در این مقاله از نقش پنج اثر تاریخی در تجسم این روابط در عهد سلطان زین‌العابدین (۱۴۲۰-۱۴۷۰) سخن می‌رود.

هنر دولت‌داری و استعداد فطری سلطان زین‌العابدین باعث استحکام دولت شاهمیریان در کشمیر شد. محض در زمان همین سلطان کشمیر از نظر سیاسی، اجتماعی و ادبی پرارزش‌ترین و بارزترین دوران تاریخی خود را سپری نمود. این اعتراف و منزلت تاریخی به حدی رسید که دوره حکومت سلطان زین‌العابدین را «درخشان‌ترین دوره تاریخ پنج‌صدساله حکومت اسلامی در کشمیر»^۱ و خود سلطان

◆ متخصص زبان‌شناسی، استاد و رئیس پژوهشگاه علوم جامعه‌شناسی، دانشگاه دولتی ب. غفوراف، خجند، تاجیکستان.

1. Hasan, Mohibbul, Kahsmir under the Sultans, p. 248.

زین‌العابدین را «اکبر کشمیر» نامیده‌اند، که انجام پژوهش در این عرصه و بازتاب مقام تاریخی سرزمین کشمیر در این دوران موضوع بحثی جداگانه و پردامنه است. قبلاً باید تذکر داد که در رابطه با آموزش تاریخ کشمیر، سرچشمه‌های زیاد تاریخی به زبان فارسی به قلم آمده است. مطالعه آثار تاریخی مربوط به این دوران این نکته را مسلم می‌گرداند که بیشتر کتب تاریخی که در آنها تصویر واقعه‌های زمان سلاطین شاهرمیریان، از جمله واقعات دوره سلطنت سلطان زین‌العابدین به قلم آمده باشد، اساساً در زمان تیموریان هند تألیف گردیده‌اند. عامل اصلی آن را دکتر آفتاب اصغر چنین شرح و تفسیر نموده است:

«به علت عشق و علاقه شدیدی که امپراتوران تیموری به کشمیر داشتند،

بسیاری از مورخان زمان آنان به نوشتن تاریخ محلی این ولایت پرداختند»^۱.

از جمله این‌گونه آثار «تاریخ کشمیر» شاه‌محمد شاه‌آبادی (تألیف ۱۵۸۰/۹۸۸)، «نامه شاهان کشمیر» یا «بهارستان شاهی» (تألیف ۱۶۲۰/۱۰۳۰، مؤلف آن نامعلوم)، «تاریخ اعظمی» خواجه اعظم دیدمری (تألیف ۱۱۴۸-۱۱۶۰/۱۷۳۵-۱۷۴۷)، تاریخ حسن ابن علی کشمیری (تألیف ۱۶۱۵/۱۰۲۴)، «تاریخ کشمیر» حیدرملک چادوره (تألیف ۱۶۲۰/۱۰۳۰)، «تاریخ کشمیر» پندیت ناراین کل متخلص به عاجز (تألیف ۱۷۱۰/۱۱۲۲) و «تاریخ حسن» تألیف پیرغلام‌حسن (تألیف ۱۳۰۵-۱۳۰۹/۱۸۸۷-۱۸۹۱) را می‌توان نام برد که راجع به فرمانروایان سرزمین کشمیر از عهد باستان تا زمان انشا شدنشان نقل می‌کنند.

در روند کلی تاریخ‌نگاری فارسی هند تعداد تاریخ‌های عمومی هند نیز کم نیستند که در آنها در برابر تصویر واقعه‌های سیاسی و تاریخی قسمت‌های علیحده سرزمین پهناور هند، مقالات یا بخش‌های جداگانه‌ای به تاریخ سرزمین کشمیر اختصاص داده شده است. به عنوان نمونه «زبدة التواریخ» نورالحق دهلوی (تألیف ۱۶۰۵/۱۰۱۴)، «تاریخ حقی» عبدالحق محدث دهلوی (تألیف ۱۵۹۶/۱۰۰۵)، «تاریخ فرشته» محمدقاسم هندوشاه استرآبادی ملقب به فرشته (تألیف ۱۶۰۶-۱۶۰۷) و «طبقات اکبری» خواجه

۱. اصغر، آفتاب. تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۲۷۱.

نظام‌الدین احمد هروی را می‌توان یادآور شد، که مقاله و یا باب‌های جداگانه آن‌ها تاریخ کشمیر را به قلم تصویر درآورده‌اند.

در این نگاشته ما تصمیم گرفتیم چندی از تاریخ‌نامه‌های فارسی به مانند «تاریخ فرشته» محمدقاسم هندوشاه استرآبادی، «طبقات اکبری» خواجه نظام‌الدین احمد هروی، «بهارستان شاهی» (مؤلف نامعلوم)، «تاریخ اعظمی» خواجه اعظم دیده‌میری و «تاریخ حسن» تألیف پیرغلام‌حسن را همچون سرچشمه آموزش واقعه‌های تاریخی و حیات علمی و ادبی زمان سلطنت سلطان زین‌العابدین مورد بررسی قراردهیم و اهمیت این مآخذ تاریخی را در آموزش روابط علمی، ادبی و مدنی سرزمین کشمیر که در آن روزگار با ممالک ایران و خراسان و ماوراءالنهر رواج و رونق داشت، به رشته تحقیق کشیم. چون تاریخ‌نامه‌های مذکور از مأخذهای ارزشمند و معتبری به شمار می‌آیند که در بازتاب اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشمیر در زمان سلطنت زین‌العابدین به عنوان مهم‌ترین منابع اعتراف گردیده، اغلب محققان ناگزیر در موارد ضروری به این سرچشمه‌ها مراجعت می‌کنند.

مسلم است که در نوبت اول رابطه کشمیر با ایران و خراسان و ماوراءالنهر اساساً از طریق شاهراه ابریشم صورت می‌گرفت، و از این لحاظ ضمن آموزش این آثار و تحقیق آن‌ها امکان فراهم می‌آید که نقش تاریخی شاهراه ابریشم در گسترش این رابطه‌ها در عصر مذکور روشن گردد. از این نگاه، اهمیت آثار تاریخی مورد نظر محدود به فراگیری اطلاعات تاریخی راجع به سرزمین کشمیر نبوده، بلکه برابر اطلاع دادن درباره رابطه کشمیر با مناطق دیگر اهمیت شاهراه ابریشم را در رواج و تحکیم این پیوندها مجسم می‌سازد.

صاحبان «طبقات اکبری»، «تاریخ فرشته»، «بهارستان شاهی»، «تاریخ اعظمی» و «تاریخ حسن» در تاریخ‌نامه‌های خود نه‌تنها راجع به نجیب‌ترین صفت‌های زمام‌داری سلطان زین‌العابدین و استعداد فوق‌العاده او در اداره دولت شاهمیریان اظهارنظر نموده‌اند، بلکه مورخین مذکور بر «رعیت‌پروری و علم نیک‌نامی افراشتن» سلطان

۱. احمد هروی، خواجه نظام‌الدین. طبقات اکبری، ص ۴۳۵؛ فرشته، هندوشاه استرآبادی، تاریخ فرشته، ج ۲، ۳۴۲؛ حسن، پیر غلام، تاریخ حسن، ص ۱۸۹.

زین‌العابدین را تأکید نموده^۱، اشارت بر آن نموده‌اند که «مثل سلطان حاکم عادل و فاضل و باذل و کامل و شجاع و مرتاض و حلیم و کریم و رسا و دانا دیگری در دنیا مخلوق نگشت»^۲. این بود که به قول صاحب «بهارستان شاهی» در عهد زین‌العابدین «به برکت کمال رعیت پروری و یمن نهایت مرحمت‌گستری او تمام رعایای این مملکت و اهالی این ولایت اوقات خود با منت و رفاهیت می‌گذرانیدند»^۳. محض به‌عمل آوردن تعبیراتی مانند «به‌مقابل دزدی مبارزه شدید بردن سلطان زین‌العابدین باعث بر آن گردید که محیط اجتماعی در آن دوره استوار و آرام بوده است»^۴.

فضیلت انسان‌دوستی سلطان زین‌العابدین^۵ و سیاست دینی خاص وی برای از بین بردن تضاد اعتقادی میان هندوان و مسلمانان نیز از نگاه مؤلفان مورد نظر ما بیرون نمانده است. سلطان زین‌العابدین که «نظر به عیب هیچ‌طایفه نمی‌کرد»^۶ کوشش به‌خرج داد تا به هر قبیله و پیرو هر مسلک و آیین احترام گذاشته شود^۷. مؤلف «تاریخ حسن» مقصد سلطان را از جاری نمودن این‌گونه تعبیرات برقرار نمودن «صلح کل» در کشمیر به شمار آورد^۸. مؤلف «بهارستان شاهی» از نو احیا نمودن رسم و رسوم هندوان را «عیب کل و قصور تمام وی» محسوب می‌دارد^۹.

توجه بیشتر سلطان زین‌العابدین به تحکیم فلسفه «صلح کل» و آشنایی مذاهب و ادیان، تلقین اندیشه احترام نسبت به آیین و مسلک‌های دیگر در نوبت اول باعث گسترش پیوندهای قومی و ملی در میان خود مردمان کشمیر شد و در نتیجه بر اساس

۱. تاریخ حسن، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۰۲.

۳. تاریخ کشمیر معروف به بهارستان شاهی، ترتیب دکتر اکبر حیدری کشمیری، ص ۲۹۴.

۴. طبقات اکبری، ص ۴۳۶؛ تاریخ فرشته، ص ۳۴۲؛ تاریخ حسن، ص ۱۸۹؛ بهارستان شاهی، ص ۲۹۰-۲۹۴.

۵. طبقات اکبری، ص ۴۳۹؛ تاریخ فرشته، ص ۴۴۴.

۶. تاریخ فرشته، ص ۳۴۳.

۷. طبقات اکبری، ص ۴۳۶؛ تاریخ فرشته، ص ۳۴۲؛ تاریخ حسن، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۸. تاریخ حسن، ص ۱۹۶.

۹. بهارستان شاهی، ص ۲۹۹.

ابتکار وی معماری‌ها و انواع هنری به ظهور رسیدند که بر اساس آمیزش یافتن عناصر فرهنگی خلاقیت و ادیان تکمیل و تشکّل پیدا نمودند. از اطلاع مورخین مذکور روشن می‌گردد که سلطان زین‌العابدین محض با تکیه بر همین سنت‌های خاصه اخلاق دولت‌داری خود این تدبیر را وسعت بخشیده، روابط فرهنگی خویش را با کشورهای مختلف تحکیم بخشید که بی‌شک وسیله و راه اصلی توسعه این پیوندها باز هم شاهراه ابریشم به شمار می‌رود. از طریق به میان گذاشتن ارتباط تجاری و فرهنگی، اهل هنر را از این منطقه‌ها توسط این شاهراه تاریخی به کشمیر آورده، در آن‌جا به رشد فرهنگ مشترک زمینه‌های مهمی فراهم ساخت. از این نقطه‌نظر، مطالعه این آثار ما را به این نتیجه می‌رساند که هنرمندان برای تکمیل مهارت خود با سفرهای مفید به سرزمین‌های مختلف، از جمله آسیای مرکزی، از طریق شاهراه ابریشم اقدام نموده، آن را در فعالیت‌های خویش در بنیاد بزرگترین یادگارهای کشمیر به کار می‌گرفتند. و این پیش از همه به ذوق و سلیقه سلطان پیوند می‌گرفت، که واقعاً یکی از عوامل امتزاج یافتن عنصرهای هنری خلاقیت‌های مختلف در این دوره توسط به راه ماندن رابطه‌ها از طریق شاهراه ابریشم گردید.

این اندیشه مهم در زمینه مطالعه تاریخ‌نامه‌های مذکور بیشتر روشن می‌گردد و در کنار این بیانگر آن می‌شود که مؤلفان آثار تاریخی مذکور نیز همین نکته مهم را در مورد ذوق و سلیقه او احساس نموده، بخش مهمی از نگاشته‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند. به تأکید ایشان سلطان زین‌العابدین وابسته به صاحبیت چنین ذوق بلند، به رشد انواع گوناگون هنرمندی نیز توجه ظاهر نموده است. این مطلب خاصه در «طبقات اکبری» به طور گسترده تجسم یافته است. مؤلف این اثر در فصل «در آبادانی ولایت اتمام تمام ورزیدن سلطان زین‌العابدین مکرراً اشاره‌ها نموده است که طبق آن معلوم می‌شود که در این دوره معماری در کشمیر وسعت افزون پیدا نمود. در برابر ساخته شدن مسجد و خانقاه‌ها، بیمارستان و کاروان‌سرای‌ها، باغ‌ها و راه‌های زیاد جوی و کانال‌های بی‌شماری کنده شده، پل‌های متعدد بر روی رودخانه‌ها بسته شدند. براساس اطلاع صاحب «طبقات اکبری» می‌توان حدس زد که سلطان زین‌العابدین با انجام‌دادن چنین کارنامه‌ای مفید در رشد حیات مدنی کشمیر تأثیر عمیق گذاشت. از جمله در

جایی مؤلف این مطلب را به گونه ذیل توضیح داده است:

«و در تعمیر ولایت کشمیر و تکثیر زراعت و کندن جوی‌ها، آن توفیق که او یافت، هیچ‌کس را از حکام کشمیر دست نداده بود»^۱.

مؤلف «تاریخ فرشته» نیز بیشتر دربارهٔ تشکّل معماری، بنیاد باغ‌ها و کوشک‌ها و مجسمه‌ها در کشمیر و نقش بزرگ سلطان زین‌العابدین در این امر معلومات پیشکش نموده است. از جمله، جایی به همین مضمون ذکر نموده است:

«و در مملکت کشمیر هیچ زمینی بی‌آب و زراعت نماند. مگر جایی که علم سلطان به آن نرسید»^۲.

از اطلاع «طبقات اکبری»، «تاریخ فرشته»، «تاریخ اعظمی»، «بهارستان شاهی» و «تاریخ حسن» اینچنین برمی‌آید که در زمان سلطان زین‌العابدین در کشمیر چندین ساختمان عظیم بنیاد نهاده شده و مورد بهره‌برداری عموم قرار گرفته‌اند، که اکثراً محصول آمیزهٔ عناصر هنری مردمان مختلف و هنرمندان مناطق دیگر به شمار می‌آیند. از جمله، مؤلفان تاریخ‌نامه‌ها همگی به آوردن جوی به کوه ماران و بناکردن شهر از طرف سلطان زین‌العابدین را شرح و تفسیر داده، ضمناً تأکید بر آن نموده‌اند که به غیر از شهر مذکور در این دوره چندین شهر نوبی دیگر نیز بنا و آباد گردیدند^۳. از جمله، صاحب «تاریخ فرشته» از زین‌لنک، خواجه اعظم دیده‌مری از «رجدهنی» و «هفت‌زینه»، نام برده است. مؤلف «تاریخ حسن» ساخته‌شدن عمارات و باغ‌ها در زین‌پور و زین‌گیر خبر داده^۴، ضمناً بر کارنامه‌های بزرگ سلطان زین‌العابدین برای بنیاد چنین یادگارهای بی‌نظیر تاریخی تأکید ورزیده‌اند. از جمله، اطلاع در مورد بنیاد «زینه‌دب» را پیرغلام‌حسن در تاریخ خود به طور مفصل به قلم آورده است:

«و محلهٔ نوشهره به کثرت عمارات و اسواق و دکاکین از خود احداث نمود و

۱. طبقات اکبری، ص ۴۳۵.

۲. تاریخ فرشته، ص ۳۴۳.

۳. طبقات اکبری، ص ۴۳۸؛ تاریخ فرشته، ص ۳۴۳؛ بهارستان شاهی، ص ۲۹۵-۲۹۴.

۴. طبقات اکبری، ص ۳۴۳.

۵. تاریخ حسن، ص ۱۹۴-۱۹۳.

در آنجا طرح دولت‌خانه انداخته، پایتخت خود مقرر ساخت و برای نشست‌گاه خود والامنظری دوازده طبقه بلند افراشت، که در ضمن هر طبقه پنجاه حجره بود، و در میان هر یک حجره پنج‌صد مردم جلوس می‌کردند، و از طاق و رواق و ایوان و غرفه‌ها اعجوبه صنعت روزگار بود. نام آن زینه‌دب می‌گفتند^۱.

در نوبت اول از این اطلاع برمی‌آید که بنیاد بناهای بلندآشیانه، از جمله به تأکید مؤلف این تاریخ‌نامه ۱۲ آشیانه دارای پنجاه حجره از همین زمان شروع گردیده است. در برابر این از معلومات مورخین روشن می‌شود که چندین عمارات که سلطان زین‌العابدین تعمیر نموده بود، از جانب نمایندگان خاندان چک‌ها به کام آتش کشیده شدند^۲ و یکی از این‌گونه ساختمان‌ها مسجد جامع بوده است که طرف قبله آن در آتش سوخته بود و سلطان زین‌العابدین آن را از نو معمور و آباد ساخت^۳.

این اطلاع مربوط به بنیاد بناهای معماری هنرمندانه در این دوره در تاریخ‌نامه‌های دیگر نیز مذکور است. در برابر پیرغلام‌حسن، مؤلف «بهارستان شاهی» نیز از تدابیر مهم رشد معماری و کارنامه‌های سلطان در آبادی کشمیر یادآور شده، نوشته است:

«... و در معماری مملکت و آبادانی ولایت اهتمام تمام می‌نمود و به دولت و رعیت پروری و مرحمت‌گستری وی بسیار هنرمندان و حرفه‌داران هنرهای خود زیاد کردند»^۴.

در نوبت اول یکی از تدبیرهای مهم در رواج معماری، جلب هنرمندان از مناطق دیگر یا فرستادن هنرمندان خود به دیگر سرزمین‌ها برای آموزش محسوب می‌شود که باز هم این‌جا نقش تاریخی شاهراه ابریشم توسط مطالعه این آثار مجسم می‌گردد. از سوی دیگر، اطلاعات این آثار محدود به ذکر هنر معماری نبوده، معلومات راجع به دیگر انواع هنر به مانند موسیقی و مساعدت سلطان به تشکّل و رواج این نوع هنر را نیز در خود جای داده‌اند، که این امر به نقش سرچشمه‌ای تاریخ‌نامه‌ها در آموزش

۱. تاریخ حسن، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۱۹۶.

۳. بهارستان شاهی، ص ۲۹۹.

۴. همان.

عوامل رواج موسیقی پیام می‌رساند. مثلاً، در سرچشمه‌های تاریخی مذکور ملاً عودی، از شاگردان بی‌واسطه‌ی خواجه عبدالقادر که صاحب تصانیف مشهور بوده، از خراسان نزد سلطان آمد و عود را چنان می‌نواخت که باعث خوشحالی سلطان می‌گردید، ملا جمیل نام آوازه‌خوانی که در سخندانی و خوش‌خوانی عدیم‌المثل بود و ثانی نداشت و از سلطان رعایت‌های کلی یافته بود، معلومات می‌دهند.^۱

از اینجا معلوم می‌شود که گروهی از هنرمندانی که از دیگر مناطق، از جمله خراسان به نزد سلطان آمده‌اند، نمایندگان دیگر سمت‌ها، خاصه اهل موسیقی بوده‌اند و این‌جا اشارت مؤلف اثر بی‌واسطه به نقش شاهراه ابریشم برای پیوند فرهنگی سرزمین‌ها، از جمله دعوت اهالی موسیقی، شعر و دیگر انواع هنر تأکید می‌ورزد. در ادامه تاریخ‌نگاران حتی به دعوت و جلب نمایندگان دیگر هنرها چون صحافی، قالی‌بافی و کاغذسازی از سمرقند اشارت می‌کنند که این‌جا نیز وسیله‌ی مهم پیوندهای فرهنگی و توجه به هنرمندان در مناطق دیگر از طریق شاهراه ابریشم به ثبوت می‌رسد.

از «تاریخ حسن» نیز معلومات زیر را می‌توان به دست آورد:

«و هرکس را جاگیر و منصب بخشید. چنانچه صحاف و کاغذگر و قالی‌باف و جلدگر و قلمدان‌ساز و حکاک و مَهرکن و قابله‌ها از سمرقند آورده، در همین‌جا آباد ساخت. و جمعی از زیرک‌طبعان نازک‌خیال انتخاب کرده، به اطراف و امصار فرستاد، تا که هراحدی صنعتی آموخته، بازآیند، و در اینجا موجب تربیت و تعلیم آن‌ها فنون عجیبه در ملک خود شایع گردانید».^۲

از این اطلاع نکته‌ی دیگری هم روشن می‌گردد که خود سلطان هم به موسیقی توجه خاصه داشته، علم موسیقی را بسیار شایق بود. خنیاگران و اهل نغمه را انعامات شایسته می‌داد.^۳ با تکیه بر این مطلب روشن می‌شود که در نوبت اول اگر رواج یافتن هنرهای مختلف در کشمیر با جلب هنرمندان ممکن شده است، از سوی دیگر محبت و دلبستگی

۱. طبقات اکبری، ص ۴۳۶؛ تاریخ فرشته، ص ۳۴۴.

۲. تاریخ حسن، ص ۱۹۸.

۳. همان.

خود سلطان به هنر و هنروری، از جمله موسیقی در تقویت آن مهم است. این دو عامل یعنی کوشش در آبادانی ولایت و محبت به اهل هنر سبب گردید که سلطان به تأکید مؤلف این تاریخ‌نامه «حرفت‌گران هرفن را از ولایت‌های دور طلبیده، در اینجا آباد کرد»^۱.

سلطان زین‌العابدین از روی معلومات تاریخ‌نامه‌ها برای تأمین شرایط خوب به هنرمندان اقدام نموده و کاروان‌سراها و سراهای دیگر بنیاد می‌نمود تا مسافران در آن‌جا قرار بگیرند.^۲

این تدبیر از سوی دیگر به اهمیت بی‌واسطه شاهراه ابریشم در نظر سلطان تأکید می‌کند، چون بنیاد این سرای‌ها برای مسافران در افزودن تعداد آن‌ها در این راه و رواج تجارت و هنرمندی مؤثر بود، به نقش تاریخی سلطان در تحکیم روابط از طریق شاهراه ابریشم و اوضاع خود راه اشارت می‌ورزند. محض، همین اقدامات بازهم باعث شدند که نمایندگان انواع هنرهای معروف با توجه به چنین شرایط خوب راه کشمیر را بگیرند و از برکات محبت سلطان استفاده نمایند. حتی به تأکید مؤلف این تاریخ‌نامه رقاصان و قوالان و دیگر هنرمندانی آمده‌اند که به قول او چشم روزگار نظیرشان را ندیده بود و دیگران با توجه به چنین شرایط خوب انواع اشیای مختلفی را در نمود تفنگ اختراع نمودند:

«... در فن آتش‌بازی اختراعات بدیعه ظاهر نمود و در این ملک تفنگ از مخترعات اوست. و در حضور سلطان داروها ساخت و هنرها نمود و مردم را تعلیم داده در جمیع علوم فائق بود. و مجلس سلطان از اهل نغمه و ارباب طرب که در حسن صورت و قوالی و آواز خوش یگانه زمانه بودند، در حرکات و سکناات نظیر نداشتند، رشک بهشت می‌بود. و رقاصان و طناب‌بازان در زمان او پیدا شدند. و بعضی خواننده‌ها از آن قبیل بودند که یک راگ در دوازده مقام ادا می‌نمود. و اکثر سازهای اهل طرب از عود و رباب و طنبور و غیره به زر گرفته به جواهر مرصع کرده بود»^۳.

۱. تاریخ حسن، ص ۱۹۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۹۸.

به همین طریق، از روی شهادت تاریخ‌نامه‌های مورد نظر ما نکته مهم دیگری نیز عیان می‌گردد که سلطان زین‌العابدین برای انتشار هنرهای نفیسه، به مانند شالبافی، قالی‌بافی و کاغذسازی در سرزمین کشمیر سهم بسزا داشت. محض، رشد همین هنرها باعث شد که تجارت توسط شاهراه ابریشم با سرزمین‌های ایران و خراسان و ماوراءالنهر به طور شایسته به راه مآند. چون وقتی سلطان زین‌العابدین هفت‌سال در سمرقند پیش امیر تیمور بسربرد، در این زمان با علم و ادب و صنایع ظریفه خلق‌های ایران و خراسان و ماوراءالنهر شناسایی پیدا نمود. هنگام بازگشت سلطان زین‌العابدین نه تنها هنرمندان چیره‌دستی را با خود به کشمیر برد، تا هنرهایی چون قالی‌بافی، کاغذسازی و کنده‌کاری را در سراسر کشمیر رواج بخشند، بلکه کشمیریان را برای هنرآموزی به ایران و خراسان و ماوراءالنهر فرستاد، تا که آن‌ها این هنرها را با تمام نازکی‌هایش از برنمایند.^۱

دیگر از مسئله‌هایی که صاحبان «طبقات اکبری»، «تاریخ فرشته»، «تاریخ اعظمی»، «بهارستان شاهی» و «تاریخ حسن» به آن توجه ظاهر نموده‌اند، گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشمیر در دوره مذکور به شمار می‌رود. قبل از همه باید ذکر نمود که اگر انتشار زبان فارسی و ادبیات فارسی‌زبان در شبه‌قاره هند و پاکستان از اوّل‌های عصر ۱۱ تا امروز ادامه داشته، صاحب تاریخ هزارساله زبان فارسی به کشمیر تنها در قرن ۱۴، با برقرارشوی حکومت اسلامی در این دیار وارد گشته، در این‌جا موقعیت خیلی قوی پیدا نمود.

مردم کشمیر تا این دوره با زبان فارسی آشنایی داشتند، اما در نتیجه حکمرانی سلسله‌های مسلمان (قرن‌های ۱۴-۱۶) و در این دوره ورود عارفان بزرگ، سخنوران و دانشمندان فارسی‌زبان به این سرزمین زبان فارسی نفوذ زیاد پیدا نموده، به حلقه خاص و عام درآمد، توسعه و رشد یافته، در محافل ادبی محبوبیت تمام پیدا کرد، و به تدریج همچون زبان کارگزاری و علم و ادب مقام زبان فرهنگی کشور را به دست آورد.

سلطان زین‌العابدین نیز به طریق جلدی و با شور و حرارت فوق‌العاده به نشر و

۱. اعظم دیده‌مری، خواجه، تاریخ اعظمی، ص ۴۷، راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ص ۱۳۲۶، ۱۳۲۷.

ترویج زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین توجه نمود و بی‌شک، حصّه او در راه زبان دولتی و علم و فرهنگ شدن زبان فارسی در کشمیر بزرگ است.

مؤلفان تاریخ‌نامه‌های مورد نظر به اشتیاق‌مندی تمام و سخاوت و بذل سلطان زین‌العابدین در ترویج زبان و ادبیات فارسی اشارت‌ها نموده، دوره حکومت او را همچون یکی از بهترین ایام گسترش و نفوذ زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین به قلم آورده‌اند. از معلومات آن‌ها برمی‌آید که سلطان زین‌العابدین زبان فارسی را زبان رسمی دربار خود قرار داد و کوشش بر آن داشت، تا زبان فارسی بین هندوان کشمیر نیز رواج کامل یابد و زبان معاشرت مردمان غیرمسلمان نیز قراربگیرد که در این سرزمین سکونت داشتند. یکی از اقداماتی که سلطان زین‌العابدین در این جاده عملی گردانید، آن بود که او پندیت‌بچه‌هایی را که به مدرسه داخل می‌شدند، به زیر سرپرستی خود گرفته، به آن‌ها ماهانه می‌داد و پس از اتمام تعلیم برای ایشان منصب‌های خوب هم مقرر می‌کرد.^۱ در «تاریخ حسن» در این مورد چنین اطلاع داده شده است:

«و طفلان پندیتان را علوم فارسی تعلیم داده، به کار و خدمت ملکی و مالی مشغول داشت».^۲

محض نتیجه کوشش و زحمت‌های سلطان زین‌العابدین بود که علمای برهمن به تحصیل و آموزش زبان و ادبیات فارسی گام برداشته، در فرصتی کوتاه زبان فارسی را فراگرفتند.

در زمان سلطان زین‌العابدین علم و ادب در این سرزمین به طور عموم پیشرفت کرد. از بس که سلطان زین‌العابدین خود فیاض اهل علم بود و از ارباب علم قدردانی می‌کرد، دربارش همواره جایگاه علمای هندو و مسلمان به شمار می‌آمد. او بیشتر با ایشان راجع به مطالب علمی بحث و مناظره می‌کرد. به قول مؤلف «طبقات اکبری» سلطان زین‌العابدین «به جمیع طوایف صحبت می‌داشت و کسب علوم و فنون نموده بود و در مجلس او از اهل دانش از هندو و مسلمان همه وقت می‌بودند».^۳

۱. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۶۶.

۲. تاریخ حسن، ص ۱۹۷.

۳. طبقات اکبری، ص ۴۳۵.

فرشته نیز با تکرار عین این معلومات نوشته است:

«و با جمیع طوایف مردم صحبت می‌داشت. و چون کسب علوم و فنون کرده بود، همیشه مجلس او پُر از دانایان مسلمان و هندو می‌بود»^۱.

قابل تذکر است که خود سلطان زین‌العابدین زبان فارسی را به حدی خوب می‌دانست که حتی با تخلص «قطبی» گاهی به این زبان بداهتاً اشعار هم می‌گفته است. در «بهارستان شاهی» نه تنها با تخلص قطبی شعر گفتن سلطان زین‌العابدین ذکر شده است، بلکه مؤلف از صاحب دیوان بودن او خبر داده، نمونه‌ای از اشعار او را درج هم نموده است:

«سلطان زین‌العابدین خود هم مایه شاعری و دقت سخن‌پروری داشت و در اشعار خود قطب تخلص می‌کرد و از اشعار وی دیوانی مشهور است و این مطلع از اوست:

ای به گرد شمع رویت عالمی پروانه‌ای وز لب شیرین تو شوری ست در هرخانه‌ای
قطب مسکین گر گناهی می‌کند عیش مکن عیب نبود گر گناهی می‌کند دیوانه‌ای^۲

اگرچه در «طبقات اکبری»، «تاریخ فرشته» و «تاریخ حسن» درباره ذوق شاعری سلطان زین‌العابدین اطلاعاتی دقیق به دست نمی‌آید، اما مؤلفان کتب مذکور راجع به آن که سلطان زین‌العابدین زبان‌های فارسی، هندی و تبتی را خوب می‌دانست، اشارت‌ها نموده‌اند.^۳

سلطان زین‌العابدین به عنوان یک شخص فاضل و دانشمند و حاکم فرهنگ‌دوست و ادب‌پرور با نهایت وسعت قلب به تشویق و حمایت شعرا و ادبای فارسی اقدام می‌نمود. بنا به معلومات «تاریخ فرشته» سلطان زین‌العابدین اهل فضل و کمال را احترام می‌داشت و می‌گفت:

۱. تاریخ فرشته، ص ۳۴۲.

۲. بهارستان شاهی، ص ۲۹۸، ۲۹۹.

۳. طبقات اکبری، ص ۳۹۴؛ تاریخ فرشته، ص ۳۶۴.

«اینها مرشد و قبله مایند و ما را از ضلالت برآورده، به هدایت رسانیده‌اند»^۱.
 آوازه خرد و فضل، ذکاوت و ادب‌پروری و فرهنگ‌پناهی سلطان زین‌العابدین را
 فرشته بدین الفاظ به خواننده می‌رساند:
 «و شاهانی که معاصر شاه زین‌العابدین بودند، از شنیدن آوازه خوبی‌های او
 اظهار اشتیاق ملاقات او می‌نمودند»^۲.

به شعر و ادب پیوند قوی داشتن و شاعران و ادیبان را با انعام و اکرام نواختن
 سلطان زین‌العابدین به حدی بوده که محققین او را در رواداری و دلچسبی به شعر و
 ادب و قدردانی اهل سخن از اکبر و محمدقلی قطب‌شاه پیشرو دانسته‌اند^۳. این دل‌بستگی
 محبت وی به اهل سخن باعث آمده که نه تنها از شاعران هم‌زمین خود، بلکه بیرون از
 آن اهل سخن را به دربارش دعوت نموده، از صحبت آنان بهره‌ور شده و ایشان را
 عزت و اکرام نموده است. این نکته در «تاریخ حسن» به گونه ذیل تأکید شده است:
 «و از بلاد هندوستان و خراسان علما و فضلاء بسیار طلبانیده، به مناصب و
 جاگیر خدمات آنها به‌جا آورده، همواره از فیض صحبت آنها فیض می‌شد»^۴.
 همین توجه عمیق وی به اهل سخن و استفاده از فضل و دانش ایشان باعث شد که
 در دربار وی سخنوران مشهور و دانشمندان معروف زمان، به مانند ملا احمد کشمیری،
 مولوی کبیر، ملا پارسا، مولانا قادری، ملا ضیایی، ملا ندیمی، ملا فصیحی، ملا جمیل،
 ملا احمد رومی، ملا محمد رومی، ملا نورالدین، ملا علی شیرازی، مولانا حسین
 غزنوی، مولانا سید محمد منتقی، ملا حافظ بغدادی، مولانا جمال‌الدین، قاضی علی
 سید، ناصرالدین بیهقی و دیگران گرد هم آیند. خواجه اعظم دیده‌مری در این مورد
 چنین نوشته:

«در عهد سلطان زین‌العابدین فضلا و شعرای بسیار در کشمیر بودند، چه از

۱. تاریخ فرشته، ص ۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۴۶.

3. Hasan, Mohibbul. Kahsmir under the Sultans, P. 155.

۴. تاریخ حسن، ص ۱۹۵.

مولد ولایت و چه از متولدان این شهر»^۱.

در کتاب «بهارستان شاهی» نیز راجع به این فضیلت سلطان زین‌العابدین سخن رفته است. او نیز از توجّه سلطان به اهل شعر سخن کرده، به طریق ذیل آورده است:

«در عهد سلطنت آن پادشاه جماعتی بسیار از درویشان صاحب‌حال معروف و مشهور بودند، چون شیخ بدرالدین کشمیری و شیخ سلطان کری! و شیخ نورالدین و شیخ عثمان مجذوب و شیخ زین‌الدین ریشی و میر اویس مجذوب و مولانا نورالدین و میر سید محمد مدنی و سید حسن بلاد! روم و غیرهم که بعضی از ایشان به سلطنت وی پیدا و ظاهر شدند و همچنین علما و فضلا در سلطنت وی بسیار بودند، مانند ملا محمد رومی و ملا احمد رومی که مذکور شدند و مثل قاضی سید علی شیرازی و قاضی جمال و مولانا کبیر سید محمد لرستانی و سید محمد سیستانی و غیره، همچنین تمام ندما و فضلالی عهد وی همه خوش طبع و شاعر و در فن نکته‌دانی و سخن‌گستری ماهر بودند. مانند مولانا احمد کشمیری و مولانا رومی و مولانا ضیایی و مولانا فاتحی و غیرهم که فضل ایشان از اشعار بلاغت‌آثار ایشان معلوم می‌شد»^۲.

طوری که تأکید گردید، هدف اصلی دعوت سلطان از شاعران، پیش از همه، بهره‌ورگردیدن از فیض دانش و فضیلت ایشان محسوب می‌شود. این نکته نیز در اکثر این تاریخ‌نامه‌ها تأکید گردیده است. از اشارت مؤلف «تاریخ حسن» معلوم می‌شود که «مولوی کبیر و ملا احمد کشمیری و ملا پارسا و ملا محمد و قاضی حمیدالدین و مولانا نادری و ملا ضیایی و ملا مدیحی همیشه مصاحب و ندیم او بودند»^۳.

در برابر ذکر توجّه سلطان به اهل شعر و استفاده از فضیلت و دانش سخنوران در تاریخ‌نامه‌های مذکور راجع به اوضاع ادبی آن دور و معروفترین سخنوران این زمان نیز اطلاعات مفید به دست می‌آید. مؤلفان «طبقات اکبری» و «تاریخ فرشته» از بین تعداد

۱. تاریخ اعظمی، ص ۶۹.

۲. بهارستان شاهی، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۳. تاریخ حسن، ص ۱۹۵.

زیاد سخنوران و دانشمندانی که در کشمیر در زمان سلطان زین‌العابدین زندگی و ایجاد نموده‌اند، تنها چند نفری را مثال آورده‌اند و بس؛ از زمره آن‌ها سلطان محمد نامی کشمیری را می‌توان ذکر نمود که بنا به اخبار «طبقات اکبری» «هم شاعر بود و هم دانشمند... و به هر بحر و قافیه که می‌خواست، در بدیبه شعر می‌گفت. و در همان لحظه که از مشکلات علمی از او سؤال می‌کردند، بی‌تأمل حل می‌کرد»^۱. همین‌گونه معلومات در «تاریخ فرشته» نیز عیناً تکرار شده است.^۲

در برابر ذکر اهل شعر، مؤلفان تاریخ‌نامه‌ها از توجه عمیق سلطان برای ترویج علوم مختلف در این دوره سخن کرده‌اند. این نکته را در زمینه معلومات مؤلف «طبقات اکبری» راجع به چندی از دیگر علما و فضلاء این دوره، به مانند شربهت، طبیب حاذق می‌توان تثبیت نمود که او را «در طبابت بی‌نظیر» گفته است.^۳ پس، این اطلاع نکته‌ای را برای ما روشن می‌سازد که برابر رواج علم‌های دیگر با مساعدت سلطان علم طب در این دوره رو به رواج نهاده بوده است.

بنا به اطلاع سرچشمه‌های مذکور در این دوره ستم نام (در «تاریخ فرشته» و «تاریخ حسن» سوم ذکر شده است) زیرکی نیز بوده است که به زبان کشمیری شعر می‌گفت و در علوم هندویی سرآمد روزگار بود و «زین‌حرب» نام کتابی تصنیف کرده، تمام واقعات سلطان را در آن به تفصیل آورده بوده است.^۴ همین‌گونه معلومات را فرشته نیز در تاریخ خود ذکر نموده است.^۵ می‌توان تخمین کرد که معلومات ذکر نموده پیرغلام حسن راجع به سوم باید با تکیه به اخبار تاریخ‌نگاران مذکور آورده شده باشد، اما در نوشتن عنوان کتاب در این سرچشمه‌ها فرق به نظر می‌رسد. از جمله، پیرغلام حسن به طور ذیل اطلاع را پیشکش نموده است:

۱. طبقات اکبری، ج ۳، ص ۴۳۷، ۴۳۸.

۲. تاریخ فرشته، ص ۳۴۳.

۳. طبقات اکبری، ج ۳، ص ۴۳۶.

۴. همان، ص ۳۴۹.

۵. تاریخ فرشته، ص ۳۴۴.

«و سوم نام شخصی به زبان کشمیری شعرها می‌گفت و در علوم هندی مثلی نداشت. و «زین‌چوت» نام کتابی در بیان حالات سلطان تصنیف نمود»^۱. از نمایندگان علم و ادب در زمان سلطان زین‌العابدین در «طبقات اکبری» و «تاریخ فرشته» راجع به یک‌نفر هندویی نیز اطلاع داده شده است که «شاهنامه» را از یاد می‌دانست و کتابی در علم موسیقی به نام سلطان تصنیف کرده، بدین سبب مورد لطف و عنایات او قرار گرفته بود. بر اساس معلومات «طبقات اکبری» نام این شاعر هندو لودبته و کتاب تصنیف نموده او در علم موسیقی «ممک» عنوان داشته است^۲، در «تاریخ فرشته» و «تاریخ حسن» اسم این هندو بودبیط و نام کتابش «زین» ذکر شده است^۳. از معلومات مذکور برمی‌آید که لودبته (در سرچشمه‌های دیگر او را یودبته گفته‌اند) از اولین مصنفان زبان فارسی بوده است. او «شاهنامه» فردوسی را نه تنها از یاد می‌دانست، بلکه با صدای دلپذیر قرائت نیز می‌نمود^۴ و حتی به زبان هندی آن را ترجمه هم کرده بوده است^۵. ترجمه «جین پرکشه» (روشنی جن) از سانسکریت به کشمیری نیز به قلم او متعلق است^۶.

توجه عمیق سلطان برای رواج انواع ادبیات و علم در سه زبان فارسی و هندی و عربی به عنوان یکی از زمینه‌های مهم در ایجاد مکتب ترجمه آثار فارسی به هندی و برعکس، همچنین فارسی به عربی و عکس آن خدمت نموده است. محض همین عامل باعث آمد که در نوشهره (نزدیک سرینگر) «دارالعلوم» بنیاد گردید که بعداً مرکز آموزش زبان فارسی و عربی در کشمیر گشت. برای پیشرفت این مرکز علمی سلطان زین‌العابدین از ایران و آسیای مرکزی سخنوران و دانشمندان زیادی را دعوت نمود. از

۱. تاریخ حسن، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. طبقات اکبری، ج ۳، ص ۴۳۹.

۳. تاریخ فرشته، ج ۲، ص ۳۴۴؛ تاریخ حسن، ص ۱۹۹.

۴. تاریخ حسن، ص ۱۹۹.

۵. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۱۵۶.

۶. عبدالله، سعید، ادبیات فارسی در میان هندوان، ص ۲۸؛ Tikku, G. L. Persian poetry in Kahsmir,

جمله، مولوی کبیر که به دعوت او از هرات به کشمیر آمده بود، خدمت ریاست دارالعلوم را بر عهده داشت.^۱ این نکته نیز بیانگر آن است که برای رواج یافتن علم‌های مختلف، و از آن جمله ترجمه آثار، بازهم سلطان به جلب عالمان از آسیای مرکزی، حتی کشورهای عربی مساعدت نمود، که تأکیدات مورخان این امر را به ثبوت می‌رساند. این‌جا نیز نقش برجسته شاهراه ابریشم در تحکیم پیوندهای علمی و جلب دانشوران به مراکز علمی کشمیر روشن و واضح می‌گردد، که برای عملی‌گردیدن هدف‌های سلطان تأثیر شایان گذاشته است. به اشارت این مؤلف شیخ اسماعیل کبروی، ملا پارسا، سید حسن منتقی، ملا احمد کشمیری، ملا حافظ بغدادی، ملا جمال‌الدین خوارزمی، میرعلی بخاری، مولانا بصیر، ملا یوسف راشدی از جمله معروف‌تر اهل علم و ادب زمان از استادان این مؤسسه به شمار می‌رفتند، که بیشتر آن‌ها از شهرهای بخارا و خوارزم و بغداد و دیگر مناطق به این سرزمین آمده‌اند.

سلطان زین‌العابدین جهت تعلیم و از این راه گسترش علم طب «دارالشفاء» نیز بنیاد کرد که تدریس در آن نیز به زبان فارسی به راه مانده شد. طبیب مشهور زمان محمد ابن احمد ابن یوسف ابن الیاس که رساله طبّی اش «کفایه مجتهدیه» در تمام هندوستان اشتهار داشت، در این مدرسه مشغول تدریس بود.^۲

طوری که گفته آمد، در کنار تأسیس چند مؤسسه معروف علمی در امر ترجمه آثار نیز اقدامات شایانی از سر گرفته شد. وابسته به این، اگر چندی در «طبقات اکبری» و «تاریخ فرشته» راجع به دارالعلوم و دانشمندی که در آن فعالیت داشتند، اطلاع به نظر نمی‌رسد، صاحب کتب مورد نظر ما تأکید بر آن نموده‌اند که محض به کوشش سلطان زین‌العابدین کار ترجمه آثار علمی و ادبی از زبان‌های مختلف به فارسی در کشمیر به طور قابل ملاحظه شروع شد. معلومات مؤلف «طبقات اکبری» در این مورد به طریق ذیل آمده:

«بسیار از کتب عربی و فارسی را به فرموده او به زبان هندی ترجمه نمودند. و

۱. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۵۹؛ Persian poetry in Kashmir, P. 16.

۲. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۵۶.

کتاب «مهابهارت» که از کتاب‌های مشهور است و کتاب «راج‌ترنگنی» که عبارت از تاریخ پادشاهان کشمیر است، به فرموده او به فارسی ترجمه کردند^۱.

در «تاریخ فرشته» و «تاریخ حسن» نیز ما همین‌گونه معلومات را به دست می‌آوریم^۲. از جمله، پیرغلام‌حسن برابر تأکید به نکات مربوط به ترجمه آثار بر این اندیشه نیز اشارت فرموده است:

«کارهای ترجمه و تحقیق آثار به او امکان دادند که در زمینه ازسرگرفتن اقدامات مذکور برای تحقیق علوم هرملّت و انتشار آن به خوبی پردازد...»^۳.

با تکیه بر تذکر این اعمال و دیگر کارهایی که سلطان زین‌العابدین برای گسترش زبان فارسی انجام داده است، می‌توان حدس زد که سهم او در گسترش زبان فارسی در کشمیر قابل توجه بوده و برای کسب جایگاه و مقام بلند سیاسی و علمی و ادبی این زبان در این منطقه ابتکارات فراوان از خود به ظهور رسانیده است. از جمله ترجمه آثار مختلف از زبان‌های گوناگون به زبان فارسی نیز یکی از کارنامه‌های وی در ترویج زبان فارسی در این سرزمین به شمار می‌رود.

البته، طوری که معلوم می‌گردد، اطلاع مسطور در سرچشمه‌های مذکور به طور کلی فراگیر شرح و تفسیر تمام خدمت‌های سلطان زین‌العابدین در رونق کار ترجمه شاهکارهای ادبیات زبان فارسی نیستند، چون همه اسناد مربوط به این موضوع در این آثار دیده نمی‌شود. از جمله، مؤلفان راجع به آن که سلطان زین‌العابدین نزد دارالعلوم «دارالترجمه» تأسیس نموده، در آن شعبه‌های سانسکریت و فارسی را دایرکرد، اشارتی نکرده‌اند؛ در حالی که فقط ۲۱ نماینده علم و ادب فارسی و عربی و ۱۰ عالم سانسکریت که اعضای «دارالترجمه» بودند، به فرمان سلطان زین‌العابدین اثرهای برجسته مدنیت قدیم هندوان را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. یادآور باید شد که شعبه سانسکریت تحت نظر پندیت بوه بهوت و شعبه فارسی تحت نظر ملا احمد کشمیری

۱. طبقات اکبری، ج ۳، ص ۴۴۰.

۲. تاریخ فرشته، ج ۲، ص ۳۴۴؛ تاریخ حسن، ص ۱۹۷.

۳. تاریخ حسن، ص ۱۹۷.

فعالیت داشتند. در این جاده ملک الشعراى دربار زين العابدين ملاً احمد کشمیری مقام ویژه‌ای داشت.

طوری که تذکر یافت، مؤلف «طبقات اکبری» خواجه نظام‌الدین احمد هروی و صاحب «تاریخ فرشته» محمد قاسم هندوشاه استرآبادی ملقب به فرشته چندی از اثرهای معروف در این دوره، که به زبان فارسی ترجمه شده، به مانند «مهابهارت» و «راج‌ترنگی» را نام برده‌اند، اما راجع به کتهاسریت ساگر سامدیوه، شصتره‌ها و ویدها هیچ اطلاع پیشکش نکرده‌اند. این در حالی است که آثار مذکور نیز در این دوره از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه شده بودند.^۱

مؤلفان «طبقات اکبری» و «تاریخ فرشته» از ترجمه‌شدن آثار فارسی به زبان سانسکریت، که این نکته نیز در ترویج زبان و تفکر فارسی بی‌تأثیر نبود، خاموش مانده‌اند. حال آن‌که در زمان سلطنت سلطان زين العابدين توسط مورخ مشهور کشمیر شریوره «یوسف و زلیخا» اثر عبدالرحمن جامی با نام «کتهکیوتوکه» (kathkautuka) به سانسکریت ترجمه گردید و به خاندان کشمیریان و قلب‌های مردم ادبیات دوست و شعرفهم آن راه‌یافت. محض با ترجمه شیوا و ناب شریوره (۱۵۰۵) خواننده کشمیری با آثار مؤثر قهرمان‌های داستان آشنایی پیدا نمود.^۲

جواهر لعل نهرو این اقدام سلطان زين العابدين را که نمونه بزرگداشت و احترام زبان فارسی و وسیله کمال معرفت ملی و استقلال فرهنگی بود، همچون خدمت بزرگ او در ترویج ادبیات فارسی در کشمیر به قلم داده است.

در کنار مساعدت به علوم دنیوی و علم‌های مختلف سلطان در رواج تصوف نظری و عملی، تشکّل علوم دینی نیز اقدامات شایانی از خود ظاهر نموده است. طوری که از معلومات سرچشمه‌ها روشن می‌گردد، محض به وسیله خدمت‌های سلطان چندین کتابخانه و مدرسه و خانقاه برپا گردید. در کنار آن، در این سرچشمه‌ها سخن در مورد آگاهی کامل خود سلطان از علوم دینی، خاصه احادیث سخن رفته است که این امر

۱. کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۶۳، ۶۴.

۲. همان، ص ۶۲.

یکی از مهم‌ترین عوامل خدمات وی نسبت به رواج حدیث و دیگر علوم دینی محسوب می‌شود. فراتر از این، جهت فراگیری بیشتر مردم از این علم‌ها در بنیاد مدرسه‌ها اقدام نموده است، که این نکته در کتاب «تاریخ حسن» چنین مذکور است: «و کتب احادیث از حرمین الشرفین به کمال هوس طلب داشته، در مطالعه آن همیشه مشغول می‌بود. سوای آن کتب علوم غریبه و فنون عجیبه از هرملک طلبیده، مروج ساخت. و مدرسه‌های بسیار ابداع فرمود»^۱.

توسط معلومات تاریخ‌نامه‌های مذکور یک‌نکته دیگر نیز مسلم می‌گردد که سلطان در برابر توجه عمیق به مطالعه و معرفت حدیث به عارفان و صوفیان زبان خویش قرابت معنوی داشته، وابسته به این به آن‌ها مهر و التفات شایانی از خود ظاهر نموده است؛ از جمله، در مورد لطف و عنایات سلطان زین‌العابدین نسبت به مولوی کبیر که پیوسته مورد عنایت او قرار داشته، مقام استادی را صاحب بود، نکات فراوانی مذکور است. طبق معلومات حسن «مولوی کبیر استاد سلطان بود. در صغر سن به هرات رفته، تحصیل علوم نمود و سلطان به تکلیف تمام او را طلبیده، منصب شیخ‌الاسلامی یعنی صدارت به وی بخشید، و در نوشهره متصل دولت‌خانه برای او مدرسه بناکرده و برای وظایف طالبان علم جاگیر مقرر فرمود و عالمی از تعلیم و تدریس او مستفیض گشت»^۲.

اگرچندی در «طبقات اکبری» در این مورد معلوماتی تذکر نیافته است، اما مؤلف آن از رابطه‌های دوجانبه سلطان زین‌العابدین با حاکمان و پادشاهان ایران، خراسان و ماوراءالنهر و دیگر ممالک توسط شاهراه ابریشم به طریق ذیل خبر می‌دهد:

«و سلطان مغفور ابوسعید سلطان از خراسان اسپان تازی و شتران بُختی به رسم هدیه نزد سلطان فرستاد. و سلطان از این معنی خوشحال گشته، در برابر آن خروارهای زعفران و قرطاس و مشک و شال و کاس‌های بلورین و غرایب کشمیر در ملازمت خاقان مرحوم روانه گردانید. سلطان بهلول لودی (۸۵۵-۹۴) و سلطان محمود گجراتی (۸۶۳-۹۱۷) نیز نفایس ملک خود به خدمت

۱. تاریخ حسن، ص ۱۹۵.

۲. همان.

سلطان فرستاده، رابطهٔ مودت را مستحکم می‌ساختند. و حاکم مکه معظمه و مصر و گیلان و غیر آن نیز تحف و هدایا فرستاده، همین شیوه را مرعی می‌داشتند. پادشاه سند اسباب و اشیای بسیار به مسحوب یکی از ملازمان خود با قصیده‌ای در مدح سلطان فرستاد و سلطان را از خواندن آن قصیده خوشحالی تمام روی داد. و دونگرسینه نام راجهٔ گولیار چون معلوم کرد که سلطان را به علم موسیقی و سنگیت رغبت تمام است، دو سه کتاب معتبر این فن ارسال نمود. و پسرش راجه کوت سینه نیز بعد از پدر سلسلهٔ اخلاص و اتحاد را مرعی می‌داشت. و راجهٔ تیبیت دو جانور غریب خوش‌شکل را که به زبان اهل هند هنس می‌گویند، از موضع من سرور که آب آن تغییرپذیر نیست، به دست آورده، نزد سلطان فرستاد. سلطان را از دیدن آن جانوران مسرت تمام روی داد و از جملهٔ خاصیت آن جانوران یکی این بود که چون شیر را به آب مخلوط کرده، پیش آن‌ها می‌گذاشتند، اجزای شیر به منقار از اجزای آب جدا ساخته می‌خوردند و آب خالص می‌ماند...»^۱.

در «تاریخ فرشته» (ص ۳۴۶) و «تاریخ حسن» (ص ۲۰۰) همین معلومات عیناً تکرار شده است. توجه به این نکته خود بیانگر آن است که محض همین فضیلت‌های خاص و نادر سلطان زین‌العابدین باعث گردیده که امیران و حاکمان مناطق دیگر به سمت کشمیر راه‌گرفته، از مجموع این دستاوردهای قلمروی او بهره‌ها بگیرند، و برابر این هدایا و تحفه‌ها برایش ارسال نمایند. در کنار این، مطالعهٔ آثار تاریخی مذکور مسلم می‌سازد که چنین جنبه‌های فعالیت سلطان نه تنها در «تاریخ فرشته»، بلکه در دیگر تاریخ‌نامه‌ها نیز مذکور است که رجوع به آثار دیگر نیز این مطلب را مجسم می‌گرداند.

در بعضی سرچشمه‌های ادبی، تاریخی بر این نکته نیز تأکید شده است که مقصد سلطان زین‌العابدین از فرستادن هدیه‌های زیاد به امرای ایران و افغانستان و گجرات و سند آن بوده که او به این وسیله می‌خواست امرا جواباً به هدیه‌های فرستادهٔ او برایش نسخه‌های خطی کتب ادبی و دینی را به زبان‌های فارسی و عربی و سانسکریت ارسال نمایند.^۲

۱. طبقات اکبری، ج ۳، ص ۴۴۰.

2. Kashmir Under Sultan, P. 73.

نقلی موجود است که طبق آن وقتی شاهرخ میرزا، پسر امیر تیمور برای پادشاه کشمیر سلطان زین‌العابدین زر و زیور و فیل و اسب‌ها را به عنوان هدیه فرستاد، سلطان بعد از تقدیم و تشکر چنین نوشت: «اگر به جای لعل و جواهر عده‌ای از دانشمندان و فضیلت‌های ایرانی می‌فرستادید، موجب خوشحالی بیشتر می‌گردید». با گرفتن این پیام طبق اطلاع سرچشمه‌ها شاهرخ میرزا برای خشنودی پادشاه کشمیر شش نفر از زبندگان علما و دانشمندان دربار را به شمول کتاب‌ها در علوم متداوله به زبان فارسی و عربی از کتابخانه شخصی خود فرستاد^۱.

با تکیه بر اطلاع تاریخ‌نامه‌های مورد نظر ما می‌توان این نتیجه را حاصل نمود که در آن ایام اهل علم و ادب کشمیر با علما و فضیلت‌های ایران، خراسان و ماوراءالنهر رابطه نزدیک داشته‌اند و وسیله مشترک بین آن‌ها زبان فارسی بوده است. کشورهای نامبرده در زمینه‌های ادبیات، فلسفه، اخلاق، آداب و زبان به یکدیگر نزدیک شده و فرهنگ مشترک را به وجود آورده بودند. در این دوره خصوصاً فرهنگ کشمیر به طور عمیقی تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و خراسان و ماوراءالنهر قرار داشت. اگر سلطان زین‌العابدین را از بنیان‌گذاران فرهنگ مشترک هند و ایران و خراسان و ماوراءالنهر در کشمیر بنامیم، اشتباه نخواهد بود، زیرا واقعاً او در پیشرفت و رشد کشمیر و استحکام روابط سیاسی و ادبی آن با کشورهای فارسی‌زبان خدمت فراوان و شایسته نموده است. خاصه، آن ابتکاری که سلطان زین‌العابدین در ترجمه اثرهای فارسی و عربی به سانسکریت و برعکس آن از سانسکریت به فارسی در کشمیر در قرن پانزده انجام داد، تنها با گذشت بیشتر از صدسال جلال‌الدین محمد اکبر در هندوستان به عمل آورد. محض، شرح و تفسیر چنین کارنامه‌های علمی و ادبی و ابتکار سلطان زین‌العابدین در رشد فرهنگ و ادب فارسی در این سرزمین ما را به این نتیجه مهم علمی می‌رساند که جلال‌الدین محمد اکبر در این جاده پیرو کار او بوده و با الهام از این تدبیرات وی به رشد و نمو فرهنگ و ادب فارسی به روزگاران خویش، حتی نفوذ فلسفه صلح کل در زمینه آشتی ادیان و مذاهب اقدام کرده است.

۱. شمس‌الدین، سیری در ادبیات فارسی، مجله دانش، شماره ۵، ص ۱۱.

به خصوص، نقش این آثار تاریخی در آموزش و بررسی پیوند کشمیر با ممالک آسیای مرکزی توسط شاهراه ابریشم خیلی مفید به نظر می‌رسد، زیرا طوری که مسلم است، در زمان‌های خیلی دور تاریخی کاروان‌های تاجران از فارس، عراق، خراسان و ماوراءالنهر به کشمیر و از کشمیر به ایران و آسیای مرکزی آمدورفت داشتند. آن‌ها کاغذ سمرقند، ابریشم بخارا و محصولات دیگر را به کشمیر برده و از آن‌جا شال‌های مشهور کشمیری می‌آوردند. به غیر از مناسبت‌های تجارتهای رابطه‌های علمی، ادبی و مدنی بین کشمیر و ممالک ایران و خراسان و ماوراءالنهر، که معمولاً توسط راه ابریشم از زمانه‌های قدیم برقرار بود، نیز مشاهده می‌شد. این پیوندها در زمان سلطان زین‌العابدین نیز در سطح بلند رواج داشت که مرور بر اطلاعات تاریخ‌نامه‌های مورد بررسی ما این نکته را به ثبوت می‌رسانند. مؤلف «طبقات اکبری» راجع به ملاقات سفیران با سلطان زین‌العابدین اشاره می‌کند که طی آن ملاقات‌ها روابط و پیوندهای همه‌جانبه کشورهای تأمین می‌شدند. از این لحاظ، با تکیه بر این اطلاع تاریخی می‌توان تأکید داشت که واقعاً راه ابریشم در رواج روابط سیاسی دوجانبه کشمیر با کشورهای آسیای مرکزی نقش مهمی داشت. از سوی دیگر، روابط تجارتهای سرزمین کشمیر با ممالک دیگر توسط راه مذکور تأثیر فراوانی بر فرهنگ گذاشت که نمونه برجسته آن در جواب هدیه‌های امیران سمرقند و بخارا فرستاده شدن نسخه‌های خطی ترجمه‌های آثار و حتی درخواست زین‌العابدین از شاهرخ میرزا برای ارسال دانشمندان و فاضلان از سمرقند و بخارا محسوب می‌شود. تشکّل و تحوّل مکتب ترجمه آثار ادبی از زبان‌های هندی و عربی به زبان فارسی و انتقال این آثار به سرزمین‌های دیگر قلمرو زبان فارسی نیز به عنوان محصول پیوندهای فرهنگی کشمیر با مراکز و سرزمین‌های دیگر معرفی می‌شود که بی‌شک، این روابط از طریق شاهراه ابریشم صورت گرفته، مقام تاریخی و فرهنگی آن را به مبنای اطلاعات آثار تاریخی بازتاب می‌بخشند.

منابع

۱. احمد هروی، خواجه نظام‌الدین، طبقات اکبری، (در سه جلد)، ج ۳، کلکته، ۱۹۳۵ م.
۲. احمد، اعجاز، واقعات کشمیر: موثقت‌ترین منبع تاریخ کشمیر، دانش، شماره ۳۱، (سرینگر، کشمیر)، ۲۰۱۴ م.
۳. اسماعیل‌پور م. تاریخ‌نویسی فارسی در شبه قاره، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، ج ۳/۴، ۱۳۸۰ ش.
۴. اشرف خان، علیم، روابط هند و ایران از دیدگاه زبان و ادبیات، قند پارسی، شماره ۲۸، مرکز تحقیقات فارسی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۲۰۰۴ م.
۵. اصغر، آفتاب، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان (تیموریان بزرگ از بابر تا اورنگ‌زیب)، پاکستان، لاهور، ۱۹۸۵ م.
۶. اعظم دیده‌میری، خواجه، تاریخ اعظمی، سرینگر، ۱۸۸۶ م.
۷. تاریخ کشمیر معروف به بهارستان شاهی، ترتیب و مقلّمات دکتر اکبر حیدری کشمیری، انجمن شرعی شیعیان جمّو و کشمیر، ۱۹۸۲ م.
۸. حجتی، تاریخ فرشته، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، ج ۳/۴، ۱۳۸۰ ش.
۹. حسن، پیر غلام، تاریخ حسن، سرینگر، ۱۹۶۰ م.
۱۰. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، کراچی، ۱۹۶۸ م.
۱۱. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، سرینگر، ۱۹۶۸ م.
۱۲. شمس‌الدین، سیری در ادبیات فارسی، دانش، شماره ۵.
۱۳. طالبی، عبداللطیف، چند منبع تاریخی فارسی عهد گورکانیان، مجله تحقیقات فارسی، دهلی، (دانشگاه دهلی) ۱۹۹۸ م.
۱۴. عبدالله، سعید، ادبیات فارسی در میان هندوان، ترجمه دکتر محمد اسلم خان، تهران، ۱۳۷۱.
۱۵. فرشته، هندوشاه استرآبادی، تاریخ فرشته، ج ۲، لاهور، نول‌کشور، ۱۹۰۵.
16. Hasan, Mohibbul. Kahsmir under the Sultans, Calcutta, 1959.
17. Tikku, G. L. Persian poetry in Kahsmir (1339-1846), Berkelly, Los Angeles, 1971.